

پیش بینی اشغال افغانستان از سوی شوروی: سند اجتماع استخباراتی

یا

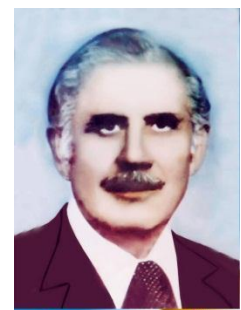
(داستان کودتاها در افغانستان: از کودتای 26 سرطان تا کودتای ثور و کودتاهای بعدی...)

برگردان: خلیل

قسمت 7-

نزدیک شدن به نقطه غلیان

به تاریخ 10 اکتبر، رادیوی کابل اعلان نمود که تره کی روزپیش در اثر یک "مریضی خطیر" وفات یافت، و اینکه جسدش فوراً دفن شد. در واشنگتن عقیده بر آن بود که او در حقیقت در جریان تبادل مرمی در ارگ بطور مهلکی زخمی و احتمالاً خیلی پیشتر از اعلامیه رسمی فوت کرده بود.⁹¹ (تاجانی که به این قلم معلوم است، گزارش عام و پذیرفته در افغانستان عامل مرگ ناشی از خفه کردن با بالش بود. لذا این یک نظر نو است. خ).



عکس تزئینی است (برگرفته شده از حساب فیسبوک آقای جاوید کوهستانی)

در کمتر از یک هفته بعد، تمام فرقه پیاده ارتش افغان در ریشخور، واقع در نه مایلی جنوب غرب کابل، سربه شورش برداشته و دست یه یک یورش به سوی کابل زد. در طی چندین روز نبردهای سنگینی رویدادند، قبل از آنکه شورش بلاخره خاموش ساخته شد. با توجه به اهمیت خطیر وفاداری ارتش افغان در تعیین کنش های شوروی، یک برآورد (ارزیابی) استخباراتی که در ختم ماه سپتامبر منتشر شده بود، خاطر نشان میگرد که "با (در نظر داشت) چهارمورد ترمرد مهم در طی هفت ماه، تداوم وفاداری (ارتش افغان) مشکوک است."⁹² "نسبت تکرار" آن اکنون عبارت از 5 بر 8 (یا 62.5 درصد) بود.

مطابق (گزارش) استخباراتی رسیده در آن زمان، این ترمرد بخصوص هشداربایی برای شوروی ها به نظر رسیده و "به زودی بعد از آن باعث برداشته شدن یک تعداد قدم های اساسی از سوی آنها شدند."⁹³ یک بار دیگر، طوریکه در هر یک بحرانی در افغانستان در بعد از شورش هرات در ماه مارچ معمول بود، فرقه هوایی گارد 105-ام شوروی در فرغانه در حال آماده باش برای حرکت مشاهده شده بود - واحد نظامی ایکه اطلاعیه اخیر استخباراتی آن را به حیث احتمالی ترین واحدی شناسائی کرده بود که اگر مسکو عاجلاً در صدد افزایش امنیت در آنجا می شد باید در کابل مستقر می گردید.

همچنان فعالیت های تشدید ی بار دیگر در عین سه فرقه رد یابی گردیدند: فرقه 5-ام موتوریزه تفنگ دار در کشککه؛ فرقه 108-ام در ترمز؛ و فرقه 58-ام در قزیل اروات که مرتباً به موضع گیری های میدانی و تمرینات غیر معمول و مشق های بسیجی در ماه های قبلی مصروف بود.



آیا این یکی از صحنه های حرکت به سوی افغانستان بود؟ (ترئینی)

گزارش استخباراتی وضعیت هشدار باش فرقه هوانی در فرغانه را احتمالاً به تمرد اخیر و تشویش مسکو برای پرسونل آن در کابل مرتبط میدانست. فعالیت سه فرقه دیگر نیروی زمینی شوروی گفته می شد "احتمالاً" مرتبط با حوادث افغانستان باشند، هرچند - با در نظر گرفتن آن به حیث یک ارزیابی استخباراتی گذشته نگر - "این پیوند دادن جدی گرفته نه می شد." ⁹⁵

ضعف پی در پی ارتش افغان بطور روزافزونی در زمانی متجلی میگردد که حملات شورشیان داشت از نظر حجم و تکرار افزایش می یافت. شورشیان توجه شان را بخصوص برای قطع راه های اکمالاتی به شهر ها و قرارگاههای نظامی معطوف کرده بودند. رژیم افغان هم برای استفاده از قطارهای زره دار غرض رفت و آمد در طول شاهراههای مهم آماده می شد که کابل و سایر شهرهای کلان را وصل میکردند، و هم برای ازدیاد بخشیدن اتکایش بر اکمالات هوانی قرارگاههای مهم ارتش مجبور ساخته می شد. تحلیل گران حکومت ایالات متحده آشکارا طوری فکر می کردند ، در حالیکه ارتش افغان کابل و شمار کمی از شهرهای مهم را کنترل میکرد، شورشیان با احساس مصئونیت قریب در نصف کشور فعال بودند. ⁹⁶

عملیات تهاجمی توسط ارتش افغان فقط وقتی موفقیت آمیز می بودند که پرسونل نظامی شوروی در هردوی فعالیت های جنگی و حمایتی بطور شدیدی در همه رده های (نظامی) تا حد واحد های خط اول دخیل می بودند. ارزیابی آژانس استخبارات دفاعی (DIA) منتشره در اواخر اکتبر حاکی بود که "بدون حمایت شوروی ارتش [افغان] شاید مدتها قبل سقوط کرده بود". این ارزیابی می گفت که شوروی ها "ستون فقرات سیستم لجستیکی افغانستان بودند... آنها همه مهمات تخریکی را حفظ و مراقبت نموده و مقادیر معتناهی تدارکات و مهمات را تأمین می کردند." ⁹⁷

گزارشات داشتند در حلقات دیپلماتیک و استخباراتی و همچنین در میدیای خبری در گردش بودند مبنی بر این که مسکو از امین ناراضی بود. مقامات شوروی این را در محدوده دیپلماتیک اعتراف می کردند که، مادامیکه اتحاد جماهیر شوروی برای تأمین تسلیحات، مهمات و مشاورین برای رژیم فعلی ادامه می دهد، مسکو تلاشی ورزد تا یک رهبر بدیلی را مطرح نماید - به احتمال زیاد کسی که با حکومت فعلی افغان مرتبط نباشد. منابع استخباراتی گزارش می کردند که امین از این موضوع باخبر بود که - مسکو داشت، بعد از همه این حرفها، سعی نمود تا در ماه سپتامبر خود را از شر او خلاص کند - و داشت علامت میداد، ولو اینکه علامات نه خیلی هم مجاب کننده، برای نرم ساختن بعضی از پالیسی هایش که از نظر شوروی ها زیان بخش بودند. این علایم کم اهمیت در اثر کشتار های وحشیانه و ناپدید سازی های متناسب به امین بی اثر می شدند که برای امحای رقیبان شناخته شده و مشکوک خودش و بدین ترتیب گرفتن جلو مسکو در فراهم آوری (زمینه) برای یک رژیم بدیل جریان داشت. ⁹⁸ (مثلاً کشتن نور احمد اعتمادی یکی از نخست وزیران اسبق...خ).



مرحوم اعتمادی در میدان هوانی کابل (ترئینی)

تا به اواخر ماه نوامبر، برای تحلیل گران استخباراتی روشن شد که فرقه 105-ام هوایی شوروی، که در زمان آخرین ترمز در نیمه- اکتبر به حالت آماده باش در آورده شده بود، در وضعیت شدید آمادگی باقی مانده بود. همچنان، فرقه های موتوریزه شوروی در آن منطقه باردیگر مصروف فعالیت هائی بودند، که هر چند نمایانگر پائین تر از سطح استقرار فوری، ولی حاکی از مساعی ای برای بلند بردن آمادگی کلی شان بودند. این مساعی عمدتاً عبارت بودند از تمرینات میدانی آنها در سطح گردانی و هنگ، ظاهراً به شمول تجهیز و آماده (احضار) کردن سربازان و افسران احتیاط. تا به آخرین هفته ماه نوامبر، معلوم می شد دست کم دو تای از این فرقه ها- فرقه 5-ام در کشک و فرقه 108-ام در ترمز- حد اقل تا به یک درجه محدود بسیج می کردند.⁹⁹

نظریه غالب استخباراتی وابسته به این فعالیت ها- بخصوص آماده سازی واحد های هوایی- مربوط به نگرانی مسکو برای مصئونیت پرسنل شوروی در کابل می شد. هر چند، تا این زمان، بحران افروخته شده در ایران در اثر تصرف سفارت ایالات متحده در آنجا، یک عنصر جدید ابهام را وارد تفسیر و توضیح استخباراتی در مورد فعالیت های نظامی شوروی در منطقه میکرد. این کار تا آن زمان بخصوص در مورد فرقه های موتوریزه نیروی زمینی صادق بود. بعضی از گزارشات استخباراتی می پنداشتند که مساعی ظاهری برای بهتر سازی آمادگی آنها (فرقه ها) عبارت از علایم ناراحتی مسکو روی عکس العمل ایالات متحده در برابر بحران ایران بود.¹⁰⁰

نیروی های پیش فرستاده شده آرایش رزمی می گیرند

به تاریخ 29 نوامبر، ویکتور پاپوتین معاون ارشد وزارت داخله شوروی، که دارنده سمت جنرالی در نیروهای امنیتی داخلی شوروی بود، به کابل مواصلت کرد. او طی اقامت اندک در روزهای بعدی با همتایانش در نیروهای امنیتی داخلی افغان و با امین ملاقات نمود. گرچه این ملاقات ها توسط ایستگاه رادیوی کابل گزارش می شدند، اما در آن زمان توجه بخصوصی را بخود جلب نه کردند.¹⁰¹ (اما این گزارش استخباراتی به آمدن یک نفر مسئولین شوروی به کابل که بم گذاری در دستگاه مرکزی مخابرات "PTT" را سازماندهی کرده بود، اشاره نه کرده است. شاید همین شخص باشد.)



سرباز روسی عازم افغانستان در فکر سرنوشت اش می باشد (ترئینی)

همچنان به تاریخ 29 نوامبر و برای چند روز مابعد، طیارات ترانسپورت هوایی نظامی شوروی در حال پرواز به کابل دیده شده بودند. بعضی از این طیارات بحالت پارک شده در میدان هوایی کابل باقی می ماندند، اما گزارشات از جانب مشاهدین در کابل نشان میدادند که ظاهراً یک بخشی از آن ها بعد از تخلیه هر آنچه بار یا پرسونلی را که منتقل میکردند به سرعت میدان را ترک می نمودند. نوعیت هواپیمای دیده شده در کابل، و سایر شواهد، نشان میدادند که آنها احتمالاً از بخش غربی اتحاد جماهیر شوروی می آمدند، یا پرواز مستقیم میداشتند یا با توفقی از طریق پایگاههای شوروی در شمال (سرحد؟) افغانستان.

هدف پروازها نا معلوم بود. محموله هائی را که آنان می آوردند با عجله از میدان هوایی بیرون برده می شد، (در این بین) راپورهای نا تصدیق شده ای وجود داشتند مبنی بر اینکه بعضی واحدهای خاص عساکر شوروی به این شهر منتقل گردیدند.¹⁰² افسران استخباراتی ایالات متحده در کابل توضیح کردند ظاهراً یک نوعی نفوذ عساکر خاص شوروی به شهر به چشم می خورد، و گزارشات متعدد از میدان نیز نشان میدادند که معلوم می شد بعضی عملیات مخفی در شرف تکوین بودند. یک ارزیابی در دم (فوری) میدانی توسط افسر بلند پایه استخبارات ایالات متحده نتیجه گیری کرد که بعضی عملیات نظامی شوروی داشت آماده می شد.

به تاریخ 8 دسمبر، جامعه استخباراتی گزارش داد که یک کندک دومی هوایی شوروی به میدان هوایی بگرام، این مرکز استقرار عمده پایگاه عملیاتی برای ماموریت کمکی نظامی مسکو، آورده شد. (طوریکه فوقاً گفته شد، دست کم یک کندک هوایی از چند ماه قبل در بگرام مستقر شده بود.)

روزنامه استخبارات ملی (NID) و یادداشتهای استخبارات دفاعی (DIN) مربوط دی. آی. ای (DIA) هر دو اظهار کردند که آرایش قشون اضافی این کندک هوایی در بگرام احتمالاً به هدف بلند بردن دفاعی در میدان هوایی در روشنی تهدیدات روز افزون شورشیگری صورت گرفته بود. در صورتی که مسکو مجبور می شد پرسونل خود را از کشور تخلیه نماید این کندک همچنان می توانست مصونیت اضافی تأمین کند. این تعبیر با ارزیابی اخیر از محتمل ترین هدف هرگونه واحدهای اضافی ایکه مسکو شاید داخل افغانستان میکرد همخوانی داشت. دی. آی. ای. ان. علاوه نمود که رسیدن به اوج آمادگی ها حاکی اند که "تهدید درمسکو بزرگتر از اندازه ای گرفته شده اند که گزارشات ما نشان میدادند... [و] نمایانگر عزم مسکو برای پیگیری منافعش در افغانستان است با وجود تله ها و دامهای واضح دریک زمانی که کریملین شاید می پندارد که ایالات متحده بایست با حوادث در تهران دل مشغولی داشته باشد".¹⁰³

دو روز بعد، استخبارات رسیدن آنچه که معلوم می شد یک کندک تفنگدار موتوریزه باشد را برملا ساخت، که با وسایط متمم رزهی معمول برای ترانسپورت و برای عملیات جنگی، همچنان با سلاح سنگین میدانی و سلاح ضد طیاره تجهیز شده بود. این کار نشان دهنده یک سطح جدید حضور نظامی شوروی بود. این واحد جدید بطور واضح در طی روزهای گذشته یا از طریق هوایی یا به ترتیبی (دیگری) داخل افغانستان گردیدند.

ان. آی. دی. خاطر نشان کرد که این جا به جایی می تواند معرف تصمیم توسط شوروی برای ازدیاد قابل ملاحظه نیرو هایش باشد. "دی. آی. ای. تخمین نمود که، بر علاوه مصونیت برای عملیات شوروی در بگرام، واحد های جدیداً جا به جا شده می توانند برای مقاصد عکس العمل- سریع، ماموریت های امنیتی محدود- جنگی در سایر نقاط در افغانستان مورد استفاده قرار بگیرند، و نیز برای کمک در تخلیه پرسنل شوروی در صورتی که موقعیت ایجاب نماید. با اینکه، دی. آی. ای. علاوه کرد که:

"... همچنان محتمل است، هر چند خیلی ها گمان پردازانه، که عناصر هوایی موتوریزه تفنگدار فعلاً در بگرام کاملاً و تنها بخش نخستین از یک نیروهای بزرگتر جنگی باشند که می تواند در طی سال آینده به افغانستان وارد شوند... این مشخص نیست که مسکو به یک چنین پلان مبادرت کرده باشد... اما این واضح است که شوروی ها یک ازدیاد کیفی را در حضور نظامی و قابلیت شان وارد کردند..."¹⁰⁴

به تاریخ 11 دسمبر، افسر استخباراتی ملی برای هشدار، گروهی از تحلیل گران ارشد را برای مورد ملاحظه قرار دادن این مسئله احضار کرد که آیا وضع الجیش کندک تفنگدار موتوریزه در بگرام علامت دادن اینست که شوروی ها در جهت هدف شان برای درگیر شدن در عملیات نظامی جنگی در افغانستان "از خط عبور کرده اند/ اشتباه کرده اند". اکثریت واضح شرکت کنندگان در این دیدار از این نظر حمایت کردند که قبلاً در گزارش استخباراتی روزانه ارائه شده بود: اینکه نیروهای اضافی برای تأمین امنیت بیشتر وارد شده اند، بخصوص در صورت (بروز) یک ضرورت بالقوه برای تخلیه پرسنل شوروی در یک وضعیت به سرعت بدتر (وخیم) شونده. بنابراین، قضاوت شان این بود که با اینکه این وضع الجیش نیروهای امنیتی را بطور قابل ملاحظه ای گسترده داده است، این هنوز هم آگاهی قبلی از نیت تشدید کردن اشتغال خود شوروی در بحران افغانستان نمی باشد. اما یک اقلیت کوچک شرکت کنندگان؛ خاطر نشان نمودند که این قطعه شامل متمم کامل سلاح سنگین ضد- طیاره است. این تحلیل گران استدلال می کردند تصور و توجیه راجع به یک چنین خطری از سوی هرگونه هواپیما (هائی) برای عساکر شوروی در افغانستان برای شمولیت سلاح های ضد- طیاره مشکل است، مگر با یک استثنا- یعنی نیروی هوایی افغان. آنها معتقد بودند این کار نشان میدهد که مسکو شاید در مورد یک عملیات با کمیت کافی برای خطر کردن عکس العملی دست کم توسط بخشی هائی از نظامیان افغان را تعمق و تفکر نموده باشد.¹⁰⁵

در اندک روزهای بعدی، سفارت ایالات متحده در کابل گزارش کرد که ناظران در آنجا شاهد آنچه بوده اند که عقید وجود داشت باید عساکر کندک رزمی شوروی باشند که از روی احتیاط در اطراف پای تخت افغان مستقر شده اند. چنان می نماید که این معلومات آنچه را که بعضی تحلیل گران معتقد بودند این از محتمل ترین تفسیر و تعبیر برای پرواز های اسرار آمیز

ترانسپورت هوایی نظامی شوروی به کابل در ختم ماه نوامبر بود. انگارش آنها عبارت از این بود که این عساکر احتمالاً از واحدهای " Spetznaz " نظامی شوروی بودند که تقریباً با نیروهای خاص ایالات متحده قابل مقایسه بودند. 106

تا 15 دسمبر، استخبارات افشا نمود که فرقه های 5-ام گارد و 108-ام موتوریزه تفنگدار- همانهایی که با تکرار در تمرینات شدید و بسیج مشاهده شده بودند - به حالتی در آورده شده بودند که قوت کامل گفته می شد، و اینکه فرقه 108-ام در حال ترک گارنیزیونش بود. گرد آوری هلی کوپترهای ترانسپورتی و جنگی در میدان هوایی کوکاتی/ کوکاتی (Kokaty) واقع در جنوب ناحیه نظامی ترکستان رد یابی شده بود، و سایر طیارات ترانسپورت نظامی در میدان های هوایی این ساحه در حال رزم ارائی بودند. تجمع قابل ملاحظه طیارت جنگنده - تاکتیکی، بمباردرهای جنگی و بم انداز های سبک - نیز در میدانهای هوایی شوروی در منطقه مشاهده شده بودند، به شمول آن میدانهای هوایی که در حالت عادی در خدمت چنین طیاراتی نمی بودند.¹⁰⁷



صحنه ای از تحرک نیرو های شوروی مرتبط با حوادث افغانستان(ترنینی)

در یکی از بعد از ظهرهای، یک شنبه، تعدادی از مقامات جامعه استخباراتی ایالات متحده و تحلیل گران (به شمول نویسنده این سطور) توسط تلفون خبردار شدیم که دی. سی. آی. (DCI)، به تعقیب گفتگو های آن روز در قصر سفید، دستور داده که یک نشست در روز دوشنبه (17 دسمبر) آینده برای آماده سازی یک اطلاعیه اعلام خطر راجع به پیامد های حضور روز افزون شوروی در افغانستان تدویر خواهد شد. بریژنسکی مشاور امنیت ملی قبلاً یک اطلاعیه ای را به دی. سی. آی. در اوایل هفته فرستاده و آن را مطلع کرده بود که رئیس جمهوری- بعد از خواندن این گزارش که یک کندک دومی هوایی شوروی به بگرام رسیده است- خواهان جلب کردن توجه عامه به این معلومات است. در این اطلاعیه بریژنسکی از دی. سی. آی. خواسته بود تا به (روز جمعه) 14 دسمبر متن (نسخه) "اصلاح شده" را به شکلی در دسترس بگذارد که ممکن باشد در ملا عام مورد استفاده قرار بگیرد (یعنی، به ترتیبی که بتواند منابع معلومات را محفوظ بدارد).¹⁰⁸ هر چند، تا زمان رسیدن اطلاعیه دی. سی. آی. بدست بریژنسکی، کندک تفنگدار موتوریزه قبلاً به بگرام رسیده بود. این یافته احتمالاً در گفتگوهای بین بریژنسکی و دی. سی. آی. به تاریخ 15 دسمبر برجسته شده بودند، به تعقیب فراخواندن دی. سی. آی. برای ارایه یک اطلاعیه اعلام خطری که پیامد ها را ارزیابی نماید.

همچنان به تاریخ 15 دسمبر، مارشال شولمان مشاور خاص وزارت خارجه در امور شوروی، مسئول سفارت شوروی را فراخوانده (سفیر دوبرینین یک هفته قبل به شوروی رفته بود) و تقاضا کرد که مسکو توضیحی در مورد تغییر فوری حضور ناگهانی اش در افغانستان را ارایه نماید. یک تلگرامی در آن روز به سفارت امریکا در مسکو فرستاده شده به سفیر دستور داده شده بود تا عین سؤال را مستقیماً با وزارت خارجه شوروی در میان بگذارد.¹⁰⁹

در صبح دوشنبه، 17 دسمبر، وضعیت افغان در ملاقات مقامات عالیترتبه امنیت ملی مورد بحث قرار گرفت، که اصلاً برای مورد ملاحظه قرار دادن بحران گروگان گیری ایران فراخوانده شده بود. (شرکت کنندگان مشمول والتر ماندیل معاون رئیس جمهور، بریژنسکی مشاور امنیت ملی، هیرالد برون وزیر دفاع، وارن کریستوفر معاون وزارت خارجه، رئیس ستاد مشترک ارتش و دی. سی. آی. بودند.) گرداننده دی. سی. آی. گزارش داد که جا بجائی اخیر واحدهای جدید در افغانستان- به شمول اضافه شدن یک کندک سومی هوایی به نیروهای شوروی در بگرام - تعداد پرسنل نظامی شوروی را در آنجا از 3500 به تخمیناً 5300 تن بالا برد. او همچنان خاطر نشان نمود که دو قرارگاه فرماندهی نظامی شوروی فقط در شمال سرحد با

افغانستان ایجاد شده اند، اینکه دو فرقه واقع در نزدیکی آن قرارگاهها در حال تحرک دیده می شوند، و باز اینکه تمرکز داشته های هوایی در دست اجرا بود. بقول ثبت (صورت جلسه) ملاقات، دی.س. آی. ابراز داشت:

سیا این را یک گرد آوری برای ورود ناگهانی ندانسته، بلکه به حیث گرد آوری یک نواخت، پلان شده میدانند، شاید مرتبط با برداشت شوروی از یک وخامت نیروهای افغان و ضرورت تقویت آنها در یک مرحله... ما معتقدیم که شوروی ها تصمیم سیاسی ای اتخاذ کرده اند مبنی بر حفظ یک رژیم طرفدار شوروی در قدرت و استفاده از نیروی نظامی بدان منظور در صورت ضرورت. آنها یا به این امر اولویت بالاتری نسبت به سالت (SALT) / معاهده تقلیل سلاح های استراتژیک که در آن وقت در کانگرس امریکا زیر بحث بود / میدهند، یا شاید معقدند که این امر با سالت بی ربط است.¹¹⁰

در جلسه امنیت ملی تصمیم گرفته شد که امریکا احتمال تأمین وجوه اضافی، تسلیحات و ارتباطات (مخابرات) برای شورشیان افغان را با پاکستان و بریتانیا مورد بررسی قرار بدهد" تا برای شوروی ها ادامه مساعی شان را تاحدی که ممکن است پربها (گزارف) بسازد". همچنان امریکا پرو پاگند جهانی در رابطه با فعالیت های شوروی را از دیداد بخشیده، به متحدین اروپائی اش توصیه کند که آنها توجه بیشتر میدیا را به وضعیت افغان معطوف کرده و مساعی شان را " برای به تصویر کشیدن شوروی به حیث (یک دولت) مخالف دین اسلام و نمایه ناسیونالیسم" تقویت بخشند. هرچند، شرکت کنندگان در اجلاس همچنان نتیجه گیری کردند که، برای فعلاً امریکا به روش و مشی دیپلماتیک اش با شوروی از طریق چینل های خصوصی ادامه میدهد "با در نظر گرفتن سند" با این اعتقاد که " برای رفتن به (افکار) عامه در شرایط فعلی مفادی نیست".¹¹¹

در طی مدتی که این اجلاس (موقتاً) تعطیل شد، وزارت خارجه تلگرامی را از واتسن سفیر امریکا در مسکو بدست آورد که مشعر بود " شورویها به تقاضای ما راجع به وضع الجیش شان در افغانستان پاسخ ندادند. تمام پیشکش شان اساساً یک رد کردن بود. بقول سفیر، معاون وزارت خارجه شوروی فعالیت های مورد سوال قرار داده را به حیث "دروغ پردازیهای" امریکا خوانده، و مدعی شد که این امور بین " دولت های مستقل" افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی و "منحصراً کار خود شان" می باشند.¹¹²

همچنان به تاریخ 17 دسمبر یک حادثه در کابل واقع شد که، در روشنی انکشافات اخیر، نسبت به آنچه که در آن زمان اذعان شد، می توانست دارای اهمیت بیشتر داشته باشد. اینکه یک تلاش قاتلانہ بر امین در محل سکونتش در قصر ریاست جمهوری صورت گرفت. او یک باردیگر جان بدر برد، هرچند گزارشهایی وجود داشت که او در پایش اندک جراحت برداشت. اما برادرزاده اش، که رئیس خدمات امنیتی و بالاترین معاون امنیتی امین بود، شدیداً جراحت برداشته و برای معالجه به اتحاد جماهیر شوروی فرستاده شد. دو روز بعد، امین محل اقامتش را به یک مجتمع قصرهای سلطنتی واقع در حدود هفت مایلی جنوب شرق مرکز کابل منتقل کرده (منظور قصر تاج بیک است، که آماده سازی اش از چند ماه قبل شروع شده و تکمیل شده بود.خ)، و قطعه امنیتی اش را با خود برد.¹¹³



قصر تاج بیک (Tajbeg Palace) در سال 1987. تصویر از میخائیل

اوستافیو (Mikhail Evstafiev) از فرقه 40 شوروی.

در عین زمان، تکمیل اطلاعیه اعلام خطر که گرداننده دی.سی. آی. هدایت داده بود در اثر عدم توافق بین تحلیل گران روی پیامدهای گرد آوری (نیروی) شوروی در شمال سرحد افغان داشت به تأخیر می افتاد. همه توافق کردند که شوروی ها داشتند برای دخالت مستقیم در عملیات جنگی آماده می شدند و این می تواند، بخودی خود، نشانگر تشدید صریح و قطعی تعهدات

شان باشد. اختلاف نظر عمدتاً روی حجم و اهداف عملیاتی بود که مسکو داشت آماده می شد و اینکه آن عملیات چقدر زود واقع می شدند. یک اکثریت قابل ملاحظه تحلیل گران از همه ادارات استخباراتی استدلال میکردند که مسکو قصد یک "افزایش" درجه بندی شده و تصاعدی برای تکیه دارکردن(استحکام) وضعیت بدترشونده در ارتش افغان را دارد؛ این نظر اساس برداشتی بود که دی. سی. آی. در جلسه 17 دسمبر قصر سفید ارایه کرده بود. هرچند، تعداد اندکی تحلیل گران جر و بحث کردند که قدم های برداشته شده نشان میدهند که مسکو در شرف دست زدن به یک دخالت مهم نظامی به افغانستان قرار داشت که شامل استقرار(وضع الجیش) بامقیاس- کامل دو فرقه نیروی زمینی ای می شوند که در شمال سرحد درپهلوی فرقه های بیشتر هوایی آماده می شدند. این کار می تواند شامل 30000 یا بیشتر عساکر شده و ممکن به یک دخالت بامقیاس- کامل منجر گردد تا کنترل وضعیت درکشور را بدست گیرد. و این تحلیل گران استدلال می کردند که نشانه های حاکی از آنند که این حرکت قریب الوقع است.

91. *Ibid.*, p. 1; Passages from the 10 October Radio Kabul announcement of Taraki's death are in Bradsher, *Afghanistan and the Soviet Union*, p. 115. For the prevailing view in Washington, see Vance, *Hard Choices*, p. 388, and "US Experts Say Afghan Civil War Has Reached a Stalemate," *The New York Times*, 29 October 1979, p. A3.

92. IIM, *Soviet Options in Afghanistan*, p. 17.

93. IIM, *The Soviet Invasion of Afghanistan*, p. 23. This mutiny was also described at the time in the press. See "Afghan Army Mutiny is Reportedly Put Down," *The New York Times*, 17 October 1979, p. A10, and "Afghanistan Said To Subdue Military Uprising but not Civilian Rebels," *The New York Times*, 20 October 1979, p. 5. These articles describe the mutiny as beginning on 14 October. See also "15 October Situation Report," Nobel Compendium.

94. IIM, *The Soviet Invasion of Afghanistan*, pp. 23-24. Identification of Kizyl Arvat as the location for the 58th Division is on p. 47.

95. *Ibid.* , p. 24.

96. *Ibid.* , p. 22; "US Experts say Afghanistan Civil War Has Reached a Stalemate," *The New York Times*, 29 October 1979, p. A3.

97. IIM, *The Soviet Invasion of Afghanistan*, p. 22, quoting DIA *Weekly Intelligence Summary* of 26 October 1979.

98. *Ibid.* , p. 23; declassified cable, US Embassy Ankara 7966, 25 October 1979; "US Experts Say Afghanistan Civil War Has Reached a Stalemate," *The New York Times*, 29 October 1979, op cit., p. A3.

99. IIM, *The Soviet Invasion of Afghanistan*, pp. 23-24, 29, 47, and author's background information.

100. IIM, *The Soviet Invasion of Afghanistan*, p. 24.

101. The Kabul radio reports are recorded in the FBIS Middle East edition of 3 December 1979, pp. S1-2. Bradsher, pp. 175-177, gives some background on Paputin and his visit.

102. This information is from the author's involvement in tracking these developments. Bradsher, *Afghanistan and the Soviet Union*, p. 176 refers to the flights into Afghanistan beginning on 29 November 1979, but describes them as going into Bagram. He may have drawn this conclusion, quite logically, from the fact that newly arrived Soviet units were discovered at Bagram a few days later, indicating that some flights had indeed gone there. But there is no question that there also were flights into Kabul. Defense attaches at the US Embassy saw the aircraft there.

103. These deployments and the *NID* and *DIN* reports are described in the declassified IIM, *The Soviet Invasion of Afghanistan*, pp. 24-26. As these intelligence reports were being disseminated, the press was reporting an Afghan rebel supporter's claim that the number of Soviet advisors had jumped to 25,000, a figure which, *at that time*, was greatly exaggerated. See "Afghan Guerilla Says Soviets Have Greatly Expanded Advisor Forces," *The New York Times*, 11 December 1979, p. A4. The State Department responded to these stories by publicly reaffirming the estimate of 3,500 to 4,000 military advisors and an equal number of civilian advisors.

104. IIM, *The Soviet Invasion of Afghanistan*, p. 26.

105. The author was present at this meeting.

106. The fact that the Embassy reported these sightings is described in Bradsher, *Afghanistan and the Soviet Union*, p. 176. He notes that this was reported in *The Washington Star* on 13 December, p. A10, modestly not mentioning that at the time he was covering events in Afghanistan for the *Star*. Description of the analysts' interpretations is based on the author's participation in the assessments, and recently was affirmed in interviews of persons stationed at the time at the US Embassy in Kabul.

107. IIM, *The Soviet Invasion of Afghanistan*, pp. 29, 33 and 47.

108. Brzezinski's memorandum to the DCI, *Publicizing the Soviet Forces in Afghanistan*, 10 December 1979, is in the Nobel Compendium.

109. Schulman's meeting with the Soviet chargé is described in a declassified cable in the Nobel Compendium-Additional Materials Volume. The instruction to the US ambassador—in State Department Cable 323556, 15 December 1979—is referred to in a cable from the US Embassy in Moscow reporting on the Soviet reaction—Moscow 27530, 17 December 1979, also in the Nobel Compendium.

110. Record of the meeting of the Special Coordination Committee, 17 December 1979, "Subject: Iran," Nobel Compendium.

111. *Ibid*.

112. US Embassy Moscow 27530, 17 December 1979, op. cit. The transmission time shown on this cable is 0937 EST, and the record of the White House meeting that day shows it was still in session at that time.

113. The FBIS Middle East edition of 21 December 1979, p. S2, gives an account of the Kabul radio broadcast of 20 December. A subsequent account appeared in *The New York Times* on 2 January 1980, p. 1. A good description is in Bradsher, *Afghanistan and the Soviet Union*, p. 178, who notes (footnote 45) that some accounts gave a different date.

پایان قسمت -7؛ ادامه دارد....